بیان حقیقت دربارهٔ عزاداریهای نامشروع

رساله‌ای دربارهٔ:

«تحریم قمه‌زنی و زنجیرزنی... در اسلام»

پیشگفتار

ستایش جاودانه خداراست که عمل به احکام اسلام را بر مسلمانان آسان ساخت.

و درود ابدی بر برگزیدهٔ بندگان و پایان بخش پیامبرانش محمّد باد.

و بر خاندان او که با تحریف حقایق دین از سوی اهل غُلُوّ به مخالفت برخاستند.

حادثهٔ جانگدازی که برای امام بزرگوار أبی عَبدالله، حسین ابن علی (علیهما السلام) رخداد از بزرگترین مصائبی است که در تاریخ اسلام پدید آمد و دلهای مسلمانان را به درد آورد. پس از آن حادثه، کم کم مراسم ماتم‌داری در میان برخی از شیعیان دیده شد و در طول تاریخ به صورت شعار آنان درآمد. در قرون اخیر، گروهی از شیعیان کارهایی - همچون قمه‌زنی و زنجیرزنی و غیره - را که با قواعد شرع و سفارش‌های اسلام سازگار نیست - در سوگ حسین عليه السلام وارد ساختند. چندی بر این منوال گذشت تا آنکه یکی از فقهای مشهور امامیّه در سوریّه، بر ضدّ این بدعت‌ها قیام کرد و با زنجیرزنی و سینه‌کوبی در کوی و برزن، به مخالفت برخاست. این مرد نامدار، علّامه سیّد محسن أمین عامِلی بود که رساله‌ای به عنوان: «**التَّنزیه فِی أعمال الشَّبیه**» در این زمینه پرداخت و به دلیل تلاش‌های خود، مورد حملهٔ کسانی قرار گرفت که از قواعد شرع بلکه از دستورات صریح آن بی‌خبر بودند. آنها در خرده‌گیری از سخنان علّامهٔ عاملی پای از مباحثهٔ علمی بیرون نهادند و با هیاهویی که پدید آوردند، ذهن مردم عادی را از توجّه به دلائل او بازداشتند و آنان را به اجرای مراسم گذشته، سرگرم ساختند. تا آنکه در ایران، دولت جمهوری اسلامی بپا شد و قمه‌زنی را رسماً منع کرد. در پی این رویداد، نویسنده تصمیم گرفت تا دلائل این منع وتحریم را با استناد به مدارک مورد اعتماد امامیّه، در دفتری گرد آورَد شاید برای اهل انصاف، مایهٔ عبرت شود. از خداوند بزرگ در خواست می‌دارم که همهٔ ما را به طریق اعتدال و راه صواب رهنمون باشد. **إنَّهُ وَلِیُّ الهِدایَةِ وَ الرَّشاد.**

مصطفی حسینی طباطبائی

نهی قرآنی

باید دانست که ضربه‌زدن بر بدن و گونه‌ها و خراشیدن چهره و فریاد «واوَیلا» و «واثُبُورا» کشیدن به هنگام مصیبت، از سنّت‌های دوران جاهلیّت بوده که قرآن عظیم و رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم بطلان آن را اعلام داشته‌اند. شیخ کلینی در کتاب کافی به سند خود از أبوعبدالله صادق علیه‌السّلام گزارش کرده است که فرمود:

چون رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم مکّه را فتح کرد، ابتدا مردان و سپس زنان مکّه آمدند تا با او بیعت کنند. در آن هنگام، خدای بزرگ این آیهٔ شریفه را نازل فرمود:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُؤْمِنَـٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِٱللَّهِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَـٰدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَـٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ ۙ فَبَايِعْهُنَّ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُنَّ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾ (المُمتَحنه: ١٢)

«ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن به سویت آمدند تا با تو بیعت کنند که هیچ چیز را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندانشان را نکشند و بر کسی از پیش خود افتراء نبندند (یا: فرزندی را که از آن شوهرانشان نیست به دروغ بر آنها نبندند) و در هیچ کار **معروفی** از تو نافرمانی نکنند، با آنها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است...».

در آن هنگام، اُمِّ حکیم دختر حارث ابن‌هشام که همسر عِکرَمَه فرزند ابی‌جهل بود، پرسید: ای رسول خدا، آن کارِ **معروفی** که خدا به ما فرمان داده تا دربارهٔ آن، از تو نافرمانی نکنیم کدام است؟ پیامبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم فرمود:

لاتَلطِمنَ خَدّاً وَ لاتَخمِشنَ وَجهاً وَ لاتَنتِفنَ شَعراً وَ لاتَشقُقنَ جَیباً وَ لاتُسَوِّدنَّ ثَوباً وَ لاتَدعِینَ بِوَیلٍ. یعنی «هیچگاه ضربه بر گونه نزنید و چهره را نخراشید و مویی را نکنید و گریبانی را مدرید و جامه را سیاه

نکنید و فریاد واویلا مکشید!» آنگاه رسول خدا ﷺ بدین شرایط با آنان بیعت کرد. (فروع کافی، کتاب النِّکاح، ج ۵، ص ۵۲۷، چاپ تهران).

شیخ کلینی به سند دیگری از عَمروبنِ مقدام گزارش کرده که گفت از ابوجعفر باقر ﷺ شنیدم که می‌گفت:

آیا می‌دانید معنای اینگفتار خدای تعالی چیست که: **(لایَعصِینکَ فِی مَعرُوفٍ** = در هیچ کار **معروفی**، از تو نافرمانی نکنند)؟ پاسخ دادم: نه! گفت رسول خداﷺ به فاطمه‌علیها السلام فرمود:

إذا أنَا مِتُّ فلاتَخمِشِی عَلَیَّ وَجهاً وَ لاتَنشُرِی عَلَیَّ شَعراً وَ لاتُنادِی بِالوَیلِ وَ لاتُقِیمِی عَلَیَّ نائِحَةً. یعنی: «هنگامی که من مُردم، گونه بر من مخراش و موی را پریشان مکن و فریاد به واویلا برمدار و نوحه‌خوانی برای من بپا مکن» سپس ابوجعفر باقرعلیه السلام فرمود: اینست کار **معروفی** که خداوند بزرگ دستور داده است. (فروع کافی، کتاب النِّکاح، ج ۵، ص ۵۲۷).

بنابراین، قرآن کریم ضربه‌زدن بر گونه‌ها و چهره خراشیدن را در هنگام مصیبت حرام کرده است آنهم به تفسیر پیامبر اکرم (ﷺ) که به رسم همیشگی «مجملات قرآن» (نظیر **لایَعصِینکَ فِی مَعرُوفٍ)** را برای مسلمانان تفسیر می فرمود.

با وجود این، چگونه می‌توان ادّعا کرد که قرآن، قمه‌زنی یا زنجیرزنی را مباح ساخته؟ در حالیکه آزار رساندن و زیانبار بودن این کارها به مراتب بیش از ضربه‌زدن بر گونه‌ها است؟! و بعلاوه، این شیوه از عزاداری، پیروی از سنّت جاهلیّت شمرده می شود، هر چند در اندوه فاجعهٔ کربلا و برای اظهار محبّت به آل رسول ﷺ باشد. آری، شریعت اسلامی، آئینی سهل و آسان است که سختی و دشواری از آن برداشته شده چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖ ﴾ (الحج: ۷۸)

«خدا در این دین، برای شما سختی ننهاده است».

و باز می‌فرماید:

﴿ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ ﴾ (المائده: ٦)

«خدا نمی‌خواهد بر شما سختی نهد».

و همچنین می‌فرماید:

﴿ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ ﴾ (البقره: ۱۸۵)

«خداوند نمی‌خواهد بر شما سختگیری کند».

و نیز می‌فرماید:

﴿ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ ﴾ (اعراف: ۱۵۷)

«(این پیامبر، فرستاده شده) تا تکالیف سخت را از ایشان بردارد».

و همچنین فرموده است:

﴿ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡ ﴾ (النّساء: ۲۸)

«خدا می‌خواهد بار شما را سبک کند».

و نیز می‌فرماید:

﴿ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ﴾ (طه: ۲)

«ما این قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقّت افتی».

بنابراین، هرکس خود را به دشواری و سختی بیافکند تا این اندازه که سرش را با قمه بشکافد و پشت خود را با زنجیرهای آهنین مجروح کند به گمان آنکه از این‌راه، خشنودی پروردگارش را می‌جوید، بی‌تردید از راه خدا دور افتاده و در دین حق، بدعت آورده و از هوای نفسانی خویش پیروی کرده و با فرمان مولای خود مخالفت نموده است. خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ (الحجرات: ۱)

«ای مؤمنان، از فرمان خدا و رسولش پیش نیافتید و از نافرمانی خدا بپرهیزید (و بدانید که) خداوند (به گفتار شما) شنوا و (و از کردارتان) آگاه است».

نهی نبوی:

رسول خدا ﷺ از فرمان پروردگار و حکم وحی، پیروی می‌کرد. به همین دلیل، مسلمانان را از پیروی سنّت‌های جاهلیّت به هنگام مصیبت، آشکارا نهی نمود و آنان را از این کار، به شدّت برحذر داشت. شیخ زَینُ الدِّین (مُلَقَّب به شهید ثانی) در کتاب «مُسَکِّنُ الفُؤاد» آورده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: **لَعَنَ اللهُ الخامِشَةَ وَجهَها وَالشّاقَّةَ جَیبَها وَ الدّاعِیَةَ بِالوَیلِ وَ الثُّبُور** (مُسَکِّنُ الفُؤاد، ص ۱۰۸) یعنی: «خدا لعنت کند زنی را که چهره‌اش را (در مصیبت) بخراشد و گریبانش را بِدَرَد و فریاد واوَیلا و اثُبُورا

بردارد». و نیز آورده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: **لَیسَ مِنّا مَن ضَرَبَ الخُدُودَ وَ شَقَّ الجُیُوبَ** (مُسَکِّنُ الفُؤاد، ص ۱۰۸) یعنی: «از ما (مسلمانان) نیستند کسانی که (به هنگام مصیبت) بر گونه‌ها بزنند وگریبانها بِدَرَند». و همچنین شیخ کلینی در«کافی» به سند خود از امام صادق علیه السلام گزارش کرده که به نقل از رسول خدا ﷺ فرمود: **ضَربُ المُسلِمِ یَدَهُ عَلی فَخِذِهِ عِندَالمُصِیبَةِ إحباطٌ لِأجرِهِ** (الفروغ من الکافی، کتاب الجنائز، ج ۳، ص ۲۲٤). یعنی: «هر مسلمانی به هنگام مصیبت، همین که با دست خویش بر ران خود بکوبد، اجرش نابود می‌شود». بنابراین، چون دانستیم پیامبر ما ﷺ آن زنی را که صورتش را بخراشد نفرین نموده و فرموده است: کسی که بر گونهٔ خود بزند از ما نیست، چگونه جرأت می‌ورزیم به جواز قمه‌زنی و زخم‌زدن بر بدن، فتوی دهیم؟ آیا این کار، جسارت در برابر حکم خدا و رسولش شمرده نمی‌شود؟!

نهی خاندان پیامبر(ﷺ):

هر کس که راه حقّ را شناخته و رسول خدا ﷺ و خاندان او را دوست می‌دارد، خوب می‌داند که خاندان پیامبر ﷺ از همه بیشتر به تعالیم وی پایبند بودند و در پی امر و نهی او گام برمی‌داشتند و به سنّت و سیرت وی اقتداء می‌کردند. امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: **إذا وَرَدَ عَلَیکُم حَدِیثٌ فَوَجَدتُم لَهُ شاهِداً مِن کِتابِ اللهِ أو مِن قَولِ رَسُولِ اللهِ(ﷺ) وَ إلّا فَالَّذِی جاءَکُم بِهِ أولی بِهِ** (الأصول من الکافی، ج ۱، ص ٦۹، چاپ تهران). یعنی: «چون حدیثی به شما رسید و شاهدی از قرآن یا از سخنان پیامبر ﷺ بر درستی آن یافتید، حدیث مزبور را بپذیرید و گر نه، کسی که چنان حدیثی را برایتان آورده، بدان سزاوارتر است (حدیثش را به خود او داده، روانه‌اش سازید!)». و باز فرموده است: **کُلُّ شَیءٍ مَردُودٌ إلَی الکِتابِ وَالسُّنَّة** (الأصول من الکافی، ج ۱، ص٦۹)، یعنی: «هر چیزی باید به کتاب و سنّت، عرضه شود». و نیز فرموده: **مَن خالَفَ کِتابَ اللهِ وَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَقَد کَفَرَ** (الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۷۰). یعنی: «هر کس با کتاب خدا و سنّت محمّد مخالفت ورزد کافر می‌شود». بنابراین گمان نرود که خاندان پیامبر ﷺ دربارهٔ خود آزاری به هنگام مصیبت (که سنّت جاهلیّت بوده)، به راهی جُز آنچه از رسول خدا ﷺ رسیده، رفته‌اند. شیخ کلینی در کتاب «کافی» به سند خود از جابر نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام گفتم: مقصود از بی‌تابی نمودن در مصیبت (که نهی شده) چیست؟ امام فرمود: **أشَدُّ الجَزَعِ الصُّراخُ بِالوَیلِ وَ العَوِیلِ وَ لَطمُ الوَجهِ وَ الصَّدرِ وَ جَزُّ الشَّعرِ مِنَ النَّواصِی وَ مَن أقامَ النُّواحَةَ فَقَد تَرَکَ الصَّبرَ وَ أخَذَ فِی غَیرِ طَرِیقِهِ وَمَن صَبَرَ وَ استَرجَعَ وَ حَمِدَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَد رَضِیَ بِما صَنَعَ اللهُ وَ وَقَعَ أجرُهُ عَلَی اللهِ وَمَن لَم**

یَفعَل ذلِکَ جَرَی عَلَیهِ القَضاءُ وَ هُوَ ذَمِیمٌ وَ أحبَطَ اللهُ أجرَهُ (الفروغ من الکافی، کتاب الجنائز، ج ۳، ص ۲۲۲). یعنی: «سخت‌ترین بی‌تابی نمودن به هنگام مصیبت آنست که فریاد واویلا بلند کنند و به چهره و سینه زنند و موی سر را بچینند (یا بتراشند) و کسی که نوحه‌خوانی برپا دارد، شکیبایی را ترک کرده و راهی جُز راه صبر در پیش گرفته است و کسی که صبر کند و: **إنّا للهِّ وَإنّا إلَیهِ راجِعُون** گوید و خدای بزرگ را سپاس دارد، از کار خداوند رضایت نشان داده و اجرش بر عهدۀ خدا است. و آنکس که چنین نکند، هم حکم خدا بر او جاری شده و هم در خور سرزنش است و خداوند اجرش را نابود می‌کند.» و شیخ کلینی در «کافی» به سند دیگری نیز شبیه این حدیث را گزارش کرده است (الفروغ من الکافی، ج ۳، ص ۲۲۳) و شریف رضی در «نهج‌البلاغه» از امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزگاران علی ﷺ آورده که فرمود: **یَنزِلُ الصَّبرُ عَلی قَدرِ المُصِیبَةِ وَ مَن ضَرَبَ یَدَهُ عَلی فَخِذِهِ عَندَ مُصِیبَتِهِ حَبِطَ عَمَلُهُ** (نَهج البَلاغه، باب المُختار مِن حِکَم امیرالمؤمنین ع، شمارۀ ١٤٤، چاپ بیروت) یعنی: «صبر به اندازۀ مصیبت به انسان می‌رسد (هر قدر مصیبت سنگین‌تر باشد خداوند به انسان بردباری بیشتری می‌دهد) و کسی که در مصیبت بر ران خود بکوبَد اجرش تباه می‌شود.». کلینی در «کافی» نیز به سند خود از امام موسی‌بن جعفر ﷺ آورده که فرمود: **ضَربُ الرَّجُلِ یَدَهُ عَلی فَخِذِهِ عِندَ المُصِیبَةِ إحباطٌ لأجرِهِ** (الفروغ من الکافی، ج ۳، ص ۲۲۵) یعنی: «مردی که به هنگام مصیبت، دست خود را بر رانش بکوبَد، موجب تباه کردن اجر خویش می‌شود». همچنین شیخ صدوق در کتاب «مَن لایَحضُرُهُ الفَقیه» به سند خود از امام صادق ﷺ گزارش نموده که فرموده: **مَن ضَرَبَ یَدَهُ عَلی فَخِذِهِ عِندَ مُصِیبَتِهِ حَبِطَ أجرُهُ** (مَن لایَحضُرُهُ الفَقیه، ج ۱، ص ۵۲۰، چاپ قم) یعنی: «کسی که به هنگام مصیبت، دست خود را بر رانش بکوبد، اجرش تباه می‌شود».

اجماع قدمای إمامیّه:

علمای قدیم امامیّه، به پیروی از رسول خدا و خاندان او - صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم اَجمَعِین - همگی اجماع کرده‌اند بر آنکه ضربه‌زدن بر بدن و چهره خراشیدن و نوحه‌های باطل خواندن در هنگام اندوه و مصیبت، همگی حرام‌اند و خداوند این قبیل کارها را بر مسلمانان روا نشمرده است. شیخ طائفۀ امامیّه (شیخ ابوجعفر طوسی) در کتاب: «مَبسُوط» می‌نویسد: **اَلبُکاءُ لَیسَ بِهِ بَأسٌ وَ أمَّا اللَّطمُ وَ الخَدشُ وَ جَزُّ الشَّعرِ وَ النَّوحُ فَإنَّهُ کُلَّهُ باطِلٌ مُحَرَّمٌ إجماعاً** (المَبسوط، ج ۱، ص ۱۸۹، چاپ تهران) یعنی: «گریستن،

گناهی ندارد([1]) أمّا ضربه زدن بر بدن و چهره خراشیدن و چیدن (یا تراشیدنِ) موی و نوحه خواندن (به هنگام مصیبت)، به اجماع فقهاء، همگی باطل و حرام‌اند». و همچنین فقیه پرمایه، محمّدبن إدریس حلّی در کتاب: «سَرائِر» می‌نویسد: «**اَلبُکاءُ لَیسَ بِهِ بَأسٌ وَ أَمَّا اللَّطمُ وَ الخَدشُ وَ جَزُّ الشَّعرِ وَ النَّوحُ بِالباطِلِ فَإِنَّهُ مُحَرَّمٌ إجماعاً** (السَّرائر، ج ۱، ص ۱۷۳، چاپ قم) یعنی: «گریستن گناهی ندارد ولی ضربه زدن بر پیکر و چهره خراشیدن و چیدن (یا تراشیدن) موی و نوحه‌های باطل خواندن، همگی، به إجماع فقهاء حرام شده‌اند». و نیز فقیه بزرگوار شیخ أبوعبدالله محمّد مکّی عامِلی در کتاب: «ذِکری» می‌نویسد: **یَحرُمُ اللَّطمُ وَ الخَدشُ وَ جَزُّ الشَّعرِ إجماعاً** (الذِّکری، ص ۷۲، چاپ قم) یعنی: «ضربه زدن بر پیکر و چهره خراشیدن و چیدن موی، به اجماع فقهاء حرام است». و همچنین فقیه مُتبحِّر، شیخ محمّد حسن نجفی در کتاب «جواهر» به پیروی از فقهای گذشته می‌نویسد: **نَعَم، لایَجُوزُ اللَّطمُ وَ جَزُّ الشَّعرِ إجماعاً** (الجواهر، ج ٤، ص٣٦٧، چاپ بیروت). یعنی: «آری، ضربه زدن بر پیکر و چیدن موی، به اجماع فقهاء جایز نیست».

دستاویز مخالفان!

تا کنون از آثار پیامبر ﷺ و خاندان گرامی او علیهم السلام و علمای دینش دربارۀ حرام بودن ضربه بر چهره و پیکر و فریادِ واویلا برداشتن به هنگام مصیبت، آگاه شدیم. آیا دیگر جای عذر برای ما در ترک حکم خدا و رسولش باقی می‌ماند؟! آری هنوز عدّه‌ای خود را در اجرای اینگونه اعمال مجاز می‌شمرند! آنان در جواز قمه‌زنی و سینه‌زنی در سوگ حسینی علیه السلام، به اموری دست آویخته‌اند که از تار عنکبوت سست‌تر است! می گویند که:

اوّلاً: این کارها در سوگ امام حسین علیه السلام، نوعی از «تعظیم شعائر» یا بزرگداشت پیامبر و خاندانش، به شمار می‌آید و بدین اعتبار، احادیث مطلق و عامّ، مقیَّد می‌شوند و اختصاص می‌پذیرند!

([1])- به دلیل آنکه رسول خدا(ﷺ) در مرگ فرزندش ابراهیم(علیه السلام) فرمود: چشم می‌گرید و دل اندوهناک می‌شود ولی چیزی نمی‌گوییم که خدا را به خشم آورد (الحدائق النّاضِرَة، اثر بحرانی، ج ۴، ص ۱۶۳، چاپ قم) در حدائق آمده است: اختلافی به لحاظ نصّ و فتوی نیست که گریستن بر مردگان پیش از دفن و پس از آن، جایز است. (الحدائق، ج ۴، ص ۱۶۲).

جواب: از این شبهه، آسان است. هیچگاه سزاوار نیست که بزرگداشت پیامبر و خاندانِ او، از راههایی صورت گیرد که خودِ ایشان آنها را نهی کرده‌اند و از سُنَنِ جاهلیّت شمرده‌اند. مانند اینکه کسی بخواهد پیامبر ﷺ و خاندانش علیهم السلام را با سجده کردن برای آنها تجلیل کند (با آنکه سجده کردن برای غیرخدا را، خود رسول اکرم و عترتش حرام شمرده‌اند) و تردید نیست که قمه‌زنی و زنجیرزنی را شارع مقدّس اسلام نهی فرموده است. بنابراین چگونه به خود حقّ می‌دهیم که با این قبیل اعمال یا مناهی، به تعظیم شعائر بپردازیم؟!

ثانیاً: مخالفان در اثبات مُدَّعای خود، به حدیث ضعیف بلکه باطلی دست آویخته اند و گویند که شیخ طوسی به سند خود از خالِدبن سُدَیر نقل کرده که گفت امام صادق علیه السلام فرمود: **لَقَد شَقَقنَ الجُيُوبَ وَ لَطَمنَ الخُدُودَ الفاطِمِيّاتُ عَلَى الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ ـ عَلَيهِمَا السَّلامُ ـ وَ عَلى مِثلِهِ تُلطَمُ الخُدُودُ وَ تُشَقُّ الجُيُوبُ** (وسائل الشیعه، اثر شیخ حُرِّ عامِلی، ج ۱۵، ص ۵۸۳، چاپ بیروت) یعنی: «دختران فاطمهٔ زهرا (علیها السلام) برای حسین بن علیّ (علیهما السلام) گریبان خود را پاره کردند و بر گونه‌های خویش زدند و برای کسی همانند حسین علیه السلام، جایز است که بر گونه‌ها زنند و گریبانها درند»!

جواب این روایت، از دو راه است یکی آنکه روایت مذکور، از احادیث ضعیفی شمرده می‌شود که به دستاویز آنها، نتوان مطلقات یا عمومات اخبار را مقیّد کرد یا تخصیص داد. زیرا خالِدبن سدیر (راوی این حدیث) نزد علمای فنِّ رجال، مردی «مجهول» است و به گفتهٔ شخص مجهولی نمی‌توان از همهٔ احادیث نبوی و روایات خاندانش، دست برداشت. علّامهٔ مامقانی در کتاب «تنقیح المقال» چون به نام «خالدبن سدیر» می‌رسد، می‌نویسد: **فَهذَا الرَّجُلُ عِندِی مَجهُولُ الحالِ!** (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۹۱، چاپ نجف). یعنی «این مرد، حالش نزد من ناشناخته است» و نیز علّامهٔ خوئی در کتاب: «مُعجَمُ رِجالِ الحَدِيث» دربارهٔ خالدبن سدیر می‌نویسد: **فَلااعتِمادَ عَلَى الرَّجُلِ لِجَهالَتِهِ** (مُعجَمُ رِجالِ الحَدِيث، ج ۷، ص ۲۵، چاپ قم) یعنی «اعتمادی بر این مرد نمی‌رود زیرا که ناشناخته است» و فقیه مُتبحِّر، صاحب جواهر، به هنگام ذکر حدیث او می‌نویسد: مَعَ الطَّعنِ فِی سَنَدِهِ وَ لاجابِرَ (الجواهر، ج ٤، ص ۳٦۸، چاپ بیروت) یعنی «در سند این روایت طعن زده شده و جبران پذیر نیست.». **دوّم** آنکه این خبر، معارض دارد به گونه‌ای که آن را از درجهٔ اعتبار می‌افکند و معارضِ آن، روایتی است که شیخ مفید در کتاب «إرشاد» آورده که امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب **-** عَلَيهَا السَّلام **-** فرموده **يا أُخَيَّة إنّی أقسَمتُ عَلَيكِ فَأبَرّی قَسَمِی، لاتَشُقّی عَلَیَّ جَيباً وَ لاتَخمِشِی عَلَیَّ وَجهاً وَ لاتَدعِی عَلَیَّ بِالوَيلِ وَ الثُّبُورِ إذا أنَا هَلَکتُ** (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷، چاپ تهران) یعنی: «ای خواهرجان، من تو را سوگند دادم و تو به سوگند من

وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک من و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و واثبورا (عذاب بر من باد، خدایم مرگ دهد) مگو.». با وجود این، آیا ما حقّ داریم که ادّعا کنیم: برای دختران فاطمهٔ زهرا (علیها السلام) جایز بود که برخلاف وصیّت حسین علیه‌السلام رفتار کنند؟!

به علاوه، روایت خالدبن سدیر، مخالف با سفارشی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به دختر گرامی خود فاطمهٔ زهرا - سَلامُ اللهِ عَلَیها - نموده که: **إذا أنَا مِتُّ فَلاتَخمِشِی عَلَیَّ وَجهاً وَ لاتَنشُرِی عَلَیَّ شَعراً وَ لاتُنادِی بِالوَیلِ وَ لاتُقِیمِی عَلَیَّ نائِحَة**». یعنی: «چون من مُردم، چهره بر من مخراش و موی پریشان مکن و فریاد واویلا برمکش و نوحه‌خوانی برایم بپا مکن» چنانکه این حدیث را شیخ کلینی در کافی با سندی قوی‌تر و مطمئن‌تر از خبر خالدبن سدیر گزارش کرده است (الفروغ من الکافی، کتاب النّکاح، ج ۵، ص ۵۲۷، چاپ تهران).

گاهی مخالفان، به خبری دیگری دست می‌آویزند که در آن آمده است: «**لَمّا رَأت (زَینَبُ عَلَیهَا السَّلامُ) رَأسَ أخِیها لَطَمَت وَجهَها وَ هَوَت إلی جَیبِها فَشَقَّتهُ وَ خَرَّت مَغشِیّاً عَلَیها**» یعنی: چون دیدگان زینب - عَلَیهَا السَّلامُ ـ به سر بریدهٔ برادرش علیه‌السلام افتاد، بر چهرهٔ خود زد و دست به گریبان برد و آن را پاره کرد و بیهوش بیافتاد» و گویند که این‌کار، دلیل بر جواز قمه‌زنی و سینه‌کوبی است! در اینجا استدلال به کار زینب - سلام الله علیها - کرده‌اند و عمل حسین ـ عَلَیهِ السَّلامُ ـ را پیش از این حادثه، فراموش نموده‌اند که (چون خبر شهادت خود را به زینب داد و آن بانوی مهربان مدهوش شد) برخاست و آب بر چهره‌اش پاشید و گفت: ای خواهرجان از خدا بترس و به خاطر خدا آرام باش و بدان که ساکنان زمین همه می‌میرند و اهل آسمان نیز باقی نمی‌مانند و همه چیز، جُز ذات حقّ - که خلق را به قدرت خود آفریده - فانی می‌شوند... سپس فرمود: «ای خواهرجان، من تو را سوگند دادم و تو به سوگندِ من وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و واثُبُورا مگو» چنانکه شیخ مفید و دیگران گزارش کرده‌اند (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷). بنابراین، مخالفان، وصیّت حسین ـ عَلَیهِ السَّلامُ ـ را نادیده گرفته‌اند وآن را پشت سر افکنده‌اند، گویی ازآن بهیچوجه خبر ندارند! شگفت آنکه حسین ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَیه - نزد ایشان از معصومین شمرده می‌شود که در گفتار و کردار خطا نمی‌کنند. آنگاه، عمل خواهرش زینب - سَلامُ اللهِ عَلَیها - را دست آویز ساخته اند که او را از معصومین نمی‌شمارند و چه بسا عملِ مذکور، بدون اختیار از وی سرزده است چنانکه معمولاً از زنان در هنگام مصیبت‌های بزرگ سر می‌زند. و از همین رو آنچه در برخی از کتاب‌ها از مُسلِم جَصّاص حکایت شده که «زینب - سَلامُ اللهِ عَلَیها - پیشانیش را بر جلوی کجاوه کوبید

تا آنجا که دیدیم خون از زیر چادرش بیرون آمد» بر همین معنا حمل می‌شود (که بی‌اختیار بدین کار دست زد) و گرنه، چگونه می‌توان گفت که آن بزرگوار عمداً با وصیّت برادرش حسین ـ عَلَیهِ السَّلامُ ـ به مخالفت برخاست؟!

پس، ای برادران گرامی از خدا بترسید و به جواز قمه‌زنی و زنجیرزنی - بدستاویز این قبیل اقوالی که نزد خدا و رسولش وزنی ندارند - فتوی مدهید. رحمت خداوند بر کسی باد که سخن استواری را شنید و آن را پذیرفت و به سوی راه راست فرا خوانده شد و بدان نزدیک گشت. **وَالسَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الهُدی.**

محرّم ۱٤۱۵ هجری قمری

مصطفی حسینی طباطبائی

(این مقاله را استاد، به عربی نگاشته و سپس آنرا به فارسی ترجمه نموده اند.)